

ساماندهی و اصلاح مجدد بافت مسئله‌دار شهری با تأکید بر بعد اجتماعی و اقتصادی کیفیت زندگی ساکنان نمونه پژوهی: محدوده‌ی شمالی خیابان فروغی اصفهانی

حمیدرضا معصومی نسب*
دانشجوی کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه
علامه طباطبایی

چکیده

در طول چند دهه‌ی اخیر، توسعه‌ی بی‌رویه‌ی شهرنشینی، مهاجرت، ازدیاد جمعیت و تغییر در شیوه‌ی زندگی، دگرگونی زیادی در ساختار زندگی شهری فراهم آورد و سبب زوال کارکردهای بافت سنتی شد. در این میان از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، در سطوح بین‌المللی و ملی، کیفیت زندگی به‌عنوان راهی برای مقابله با این دگرگونی‌ها مطرح شد. پژوهش حاضر تلاشی برای بررسی معضلات اجتماعی و اقتصادی درون بافت محدوده‌ی شمالی خیابان فروغی اصفهانی است؛ سپس ارتقای کیفیت زندگی ساکنان، با ارائه‌ی راهبردها و سیاست‌های متناسب با جدول SWOT بررسی می‌شود. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای اسنادی است؛ همچنین تعداد ۲۵۰ پرسش‌نامه در بین ساکنان با توجه به پراکنش جنسی و سنی تهیه شده است. نتایج حاکی از آن است که دو عامل حس تعلق به مکان و مقدار درآمد ساکنان باعث ماندگاری‌شان در بافت شده است.

واژه‌های کلیدی: ساماندهی، بافت مسئله‌دار، کیفیت زندگی، حس تعلق به مکان، درآمد خانوار.

* hamidmaasoumi@gmail.com

۱. مقدمه

رشد سریع شهرها و توسعه‌ی کالبدی آن موجب بروز بحران‌های مختلف در زندگی شهری، نظیر مشکلات محیطی و نزول کیفیت محیط شده است؛ پس لزوم توجه به مفهوم کیفیت و ارتقای آن در محیط‌های مسکونی، در کنار توجه به مسائل کمی، بیشتر احساس می‌شود. در ایران نیز به دنبال افزایش شهرنشینی و شتاب تغییرات در بافت‌های شهری، به دلایل مختلف، کیفیت محیط در نواحی شهری به شدت تنزل یافته است (خدایی و همکار، ۱۳۹۲، ۲). نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر کشوری هستند که خود را به‌عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند؛ اما برخی از نواحی شهری با چالش‌های مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، نامنی، بیکاری، نابرابری‌های اقتصادی، ترافیک و کمبود مسکن روبرو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهند. با این وجود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطوح بین‌المللی و ملی، بر قابلیت شهرها برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تأکید دارند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۲). شهرها به‌عنوان بستر زیست بشر نقش اساسی در ایجاد رضایت دارند و در واقع شکل‌دهنده‌ی سبک زندگی انسان و تعیین‌کننده‌ی کیفیت زندگی او هستند (Smith and Levarmore, 2008:5). تاریخچه‌ی پیدایش مفهوم کیفیت زندگی^۱ به دوران ارسطو در ۳۸۵ ق م، بازمی‌گردد. در آن دوران ارسطو زندگی خوب یا خوب انجام دادن کارها را به معنی شاد بودن می‌داند؛ لیکن به تفاوت مفهوم شادی در افراد مختلف پرداخته است؛ مثلاً سلامتی که باعث شادی در فردی بیمار می‌شود با ثروتی که فردی فقیر را شاد می‌کند یکسان نیست و به‌طور مشخص بیان نموده است که شادی نه‌تنها برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد، بلکه برای یک فرد نیز در شرایط متفاوت معنی یکسانی نخواهد داشت. به‌هرحال در آن زمان شادی یا شادمانه زیستن معادل بود با آنچه امروز کیفیت زندگی تلقی می‌شود؛ ولی از اصطلاح کیفیت زندگی تا قرن بیستم استفاده نمی‌شد. به‌مرور زمان پژوهش‌گران متوجه شدند که کیفیت زندگی می‌تواند یکی از پیامدهای پراهمیت در ارزیابی‌های سلامت باشد؛ چنانکه تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز بر این نکته تأکید دارد (Raphael D et all, 2000). تعریف تندرستی سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۸ میلادی، مبتنی است بر ابعاد وسیع آن به شکل رفاه کامل فیزیکی، روحی و بهداشتی که علاوه بر شاخص‌های فراوانی و شدت بیماری به سایر ارزش‌های انسانی مانند کیفیت زندگی نیز توجه کند (Chapman & Hall, 2002 & Bonomi A, Patric D, Bushnell D, 2000). مفهوم کیفیت زندگی شهری، از مهم‌ترین جریان‌های فکری اخیر است که برنامه‌ریزی را تحت تأثیر خود قرار داده است. از دهه‌ی ۱۹۷۰، مطالعه‌ی شاخص‌های اجتماعی به‌عنوان حوزه‌ای از علوم اجتماعی دانشگاه مقبولیت به دست آورد و موجب تلاش‌هایی برای گزارش‌های اجتماعی منظم و تولید داده‌های ویژه، برای پایش اجتماعی شد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ۱). در طی دو قرن اخیر به سبب رشد زیاد شهرنشینی و

1. Quality of Life.

همچنین افزایش نقاط شهری در سطح دنیا، به‌طور گسترده‌ای مفهوم کیفیت زندگی شهری، توجه اندیشمندان برنامه‌ریزی شهری و مسائل و معضلات شهری را برانگیخت (هال، ۱۳۸۱: ۲۱).

۲. بیان مسئله

در طول چند دهه‌ی اخیر، توسعه‌ی بی‌رویه‌ی شهرنشینی، مهاجرت، ازدیاد جمعیت و تغییر در شیوه‌ی زندگی، دگرگونی بیشتری در ساختار زندگی شهری فراهم آورد و سبب زوال کارکردهای بافت سنتی گردید. در این میان کیفیت زندگی به‌عنوان راهی برای مقابله با این دگرگونی‌ها از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سطوح بین‌المللی و ملی مطرح شد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). محله‌های شهری نقش اساسی در حیات و زوال شهرها به عهده‌دارند. دگرگونی رابطه‌ی توده و فضا و تغییر در تراکم‌های انسانی و ساختمانی همه و همه در اثر تغییر در شیوه‌ی زندگی، افزایش جمعیت شهرنشین و ... سبب تغییرات اساسی در ساختار فضایی محله‌ها و درنهایت میزان ارتباطات و تعاملات اجتماعی در سطح محلی شده است (هودسنی، ۱۳۸۴: ۵). این تغییرات اجتناب‌ناپذیر در محله و شهر سبب بروز مشکلات اساسی و زوال کارکردهای نسبتاً ثابت بافت‌های محله‌های سنتی شده است. با توجه به رشد فزاینده‌ی نابرابری در شهرها، به‌کارگیری الگویی بهینه برای برنامه‌ریزی عدالت محور، ضرورتی بنیادین و اساسی است. با توجه به رویکرد جامع‌نگر نهفته در مباحث کیفیت زندگی، تحلیل و بررسی آن در کشورهای عقب‌مانده و درحال توسعه، نقش اصلی را در برنامه‌ریزی جامع‌نگر دارد (معمارزاده، ۱۳۷۴: ۶۳). نواحی شهری، مراکز اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در هر کشوری هستند که خود را به‌عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند؛ اما نواحی شهری با چالش‌های مهمی در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، ترافیک و کمبود مسکن روبه‌رو هستند که این مشکلات، کیفیت زندگی شهری را به‌شدت کاهش می‌دهند. محله‌های شهری که در گذشته‌ی نه‌چندان دور، حکم مکانی برای حمایت اجتماعی از ساکنان خود را داشتند، اکنون با توجه به پیچیدگی شرایط زندگی و افزایش متداوم جدایی مکانی و اجتماعی، فقط کارکردی خوابگاهی برای اهالی، دارند (Barton, 2003: 16). محله‌های مسکونی شهرها، به‌عنوان سلول‌های حیات شهری از گذشته‌های دور نقشی اساسی در زندگی ساکنان آن‌ها داشته‌اند. درگذشته محله‌های شهری مکانی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی و... مشترک بوده است. به دنبال تجمع متراکم‌تر افراد بشر با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته‌شده‌ای می‌بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. در چند دهه‌ی اخیر با تغییرات شگرف در شیوه‌ی زندگی، در ساختار محله‌ها نیز تغییرات اساسی ایجاد شده است؛ همچنین رویکرد صرف شهرسازی، به ابعاد کالبدی کارکردی شهر بدون توجه به ارزش‌ها و اهداف اجتماعی و اقتصادی، فلسفه‌ی وجودی شهرها را به‌عنوان محلی برای زندگی با تردیدهای جدی مواجه کرد (رهنا، ۱۳۸۹: ۲). محدوده‌ی شمال خیابان فروغی اصفهانی، در محله‌ی تیران و در محدوده‌ی بافت مسئله‌دار منطقه‌ی ۸ شهر اصفهان واقع است؛ باوجود موقعیت آن در بخش

مرکزی اصفهان، این محدوده از مراکز تاریخی و باارزش بهره‌ای نبرده، ولی از حیث معضلات اجتماعی و همچنین مشکلات رایج اقتصادی بافت‌های فرسوده بهره‌منداست. این بافت که دارای قدمت است با توجه به شرایطی که درگیر (معضلات اجتماعی و اقتصادی) آن است، می‌بایست برای ارتقای کیفیت زندگی ساکنان آن اقدامات لازم، راهبردها و سیاست‌هایی متناسب اتخاذ شود؛ چراکه داشتن محیطی باکیفیت خوب از بعد اجتماعی و اقتصادی، حق تمام افراد جامعه است.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی تحلیلی است و بر اساس تحلیل داده‌های ثانویه است. چارچوب نظری با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مرور ادبیات مربوط به کیفیت زندگی از بعد اجتماعی و اقتصادی است. با تکمیل جدول SWOT و همچنین تکمیل ۲۵۰ پرسش‌نامه از جامعه آماری که کل جمعیت محدوده شمال خیابان فروغی اصفهانی است، ابتدا سعی در شناخت وضع موجود است که شامل نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید است و سپس رسیدن به راهبردها و سیاست‌های متناسب با مشکلات موجود.

پیشینه‌ی پژوهش

عمر مطالعات علمی و منظم کیفیت محیط زندگی، چندان طولانی نیست و تقریباً به نیمه‌ی دوم قرن بیستم برمی‌گردد. این مطالعات عمدتاً در کشورهای غربی انجام گرفته است و نظریه‌های آن‌ها، با آن جوامع سنخیت بیشتری دارد. در جوامعی همچون ایران این نوع مطالعات جدید است و عمدتاً از روش‌های مطالعاتی غربی استفاده می‌شود (قالیباف، ۱۳۹۰: ۱۲). در سال‌های اخیر پیرامون سنخش کیفیت زندگی مطالعاتی انجام شده است که هر کدام کیفیت زندگی در شهرهای مختلف را سنجیده‌اند؛ از جمله‌ی این مطالعات در سطح جهانی می‌توان به پژوهش‌های اپلیارد و اوکامونو (۱۹۶۸)، اپلیارد و لستیل (۱۹۷۲)، کوین لینچ (۱۹۸۷)، مایکل ساوتورث (۱۹۸۹)، فوتوان سیک (۲۰۰۰)، رومانو سدیکوبی و همکاران (۲۰۰۳)، کرامر (۲۰۰۴) و لونت (۲۰۰۶) اشاره کرد که همگی بر توجه به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در سنخش کیفیت زندگی شهرهای مختلف تأکید داشته‌اند. دکتر فو (۲۰۰۸) در سنگاپور با شاخص‌های ۱۴ و ۱۸ گانه شاخص‌های کیفیت زندگی شهری را ارزیابی کرد. Fahy (۲۰۰۷) نیز در بررسی کیفیت زندگی شهر گالوی ایرلند، شاخص‌های سلامت اجتماعی، اقتصادی و کیفیت محیط را بررسی کرد.

در ایران در زمینه‌ی سنخش کیفیت زندگی در شهرها، به‌خصوص در بافت فرسوده‌ی شهری، مطالعات چندانی انجام نشده است. از معدود مطالعات در این زمینه می‌توان به مطالعات حاجی نژاد (۱۳۸۹) در بافت قدیم شهر شیراز اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که سطح رضایت شهروندان از کیفیت محیط در حد مطلوبی قرار ندارد و مقایسه‌ی دو بافت قدیم و جدید شیراز از تفاوت معنی‌داری

برخوردار نیست. رهنما (۱۳۸۸) در کتاب برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها در زمینه‌ی بافت فرسوده‌ی شهرها و تعیین شاخص‌های اجتماعی و کالبدی این مناطق شهری، مطالعات سودمندی انجام داده است. قالیباف و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی، شاخص‌های مرتبط با کیفیت زندگی را از دید شهروندان بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد وضعیت کیفیت زندگی در منطقه‌ی یافت‌آباد در زمینه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی از دید جامعه‌ی نمونه مطلوب نبوده و فقط وضعیت حمل‌ونقل و ارتباطات در حد متوسطی ارزیابی شده است.

مبانی نظری

بافت فرسوده

بافت فرسوده، کل یا آن بخشی از فضای شهری است که نظام زیستی آن، هم از حیث ساخت و هم از حیث کارکرد اجزای حیاتی خود، دچار اختلال و ناکارآمدی شده است. در تعریفی دیگر می‌توان گفت، پهنه‌هایی از شهر را که دچار افت شهری و تمرکز فضایی مشکلاتی شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی و ذهنی هستند، بافت‌های روبه‌زوال، فرسوده و یا نواحی محنت‌زده‌ی شهری می‌گویند؛ اینکه بافت‌ها دچار کاهش و یا اختلال در کیفیت‌های کالبدی و کارکردی خود شده‌اند (توپچی، ۱۳۸۹: ۳۲ - ۳۳ و به نقل از صداقت رستمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴).

بافت فرسوده عبارت است از بافت‌های شهری که وجود عوامل و عناصر مختلف آن، کاهش ارزش‌های کیفی محیط‌زیست انسان را فراهم می‌آورد و با نزول ارزش‌های سکونتی، نوسازی در بافت متوقف می‌شود و میل به مهاجرت در ساکنان فزونی می‌یابد (جهانشاهی ۱۳۸۲). فرسودگی در شهرها محدود به یک دانه شهری یا زیرساخت نیست. در برخی شهرها بخش وسیعی از یک شهر به فرسودگی مبتلاست؛ این بخش در ادبیات برنامه‌ریزی شهری به بافت فرسوده مشهور است. شورای عالی شهرسازی و معماری، بافت فرسوده را عرصه‌هایی از محدوده می‌داند که به دلیل فرسودگی کالبدی و نبودن قانون مناسب، دسترسی به سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری ندارند؛ پس آسیب‌پذیر هستند و ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی دارند (شورای عالی شهرسازی و معماری ۱۳۸۴).

اثرات و نمودهای خارجی فرسودگی در بافت‌های شهری

اثرات فرسودگی در نواحی شهری ویژگی‌هایی هستند که به‌وسیله‌ی آن‌ها می‌توان بافت‌های فرسوده را از غیرفرسوده شناسایی کرد. در یک محدوده‌ی شهری گاه تنها برخی و گاه همه‌ی این ویژگی‌ها، در بافت ظاهر می‌شود؛ ویژگی بافت‌های فرسوده را از دیدگاه‌های مختلف، می‌توان این‌چنین برشمرد:

۱- دیدگاه اجتماعی

هنجاری‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین اثرات فرسودگی در بافت‌های شهری هستند که موجب ادامه یافتن چرخه‌ی معیوب فرسودگی می‌شود و عواقب کالبدی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ... زیادی را به

همراه دارد. به دلیل افت کیفیت زندگی در این بافت‌ها و تمایل ساکنان قبلی به مهاجرت و جایگزینی اقشاری که تنها انگیزه‌ی آن‌ها برای سکونت در این بافت‌ها، نازل بودن قیمت مسکن است، همواره بی‌ثباتی وضعیت سکونت در این بخش‌ها مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که ساکنان هیچ‌گونه تعلق نسبت به محل زندگی خود احساس نمی‌کنند و بنابراین دچار آشفتگی و سردرگمی‌اند؛ به نحوی که با فرسایش بیش‌ازحد حیات کالبدی، از بافت‌های شهری تنها بیغوله‌هایی برجای می‌ماند که مناسب‌ترین مکان برای کج‌روی‌های رفتاری، ناهنجاری‌های اجتماعی و بهترین پناهگاه برای بزهکاران است. در بسیاری موارد، پایین بودن ضریب امنیت اجتماعی در سطح بافت‌های قدیمی دلیل اصلی مهاجرت از این بافت‌هاست (هودسنی و دیگری ۱۳۹۱، ۶).

۲- دیدگاه اقتصادی

فرسودگی علاوه بر نمودهای کالبدی و اجتماعی، اثرات اقتصادی نیز در بافت شهر به همراه دارد. اثرات روند فرسودگی در چهره‌ی اقتصادی، در کاهش ارزش کمی و کیفی زمین، تغییر بافت اقتصادی ساکنان و ... متجلی می‌شود. در ادامه به این نمودها اشاره می‌شود:

- افت روزافزون ارزش زمین، مسکن و واحدهای تجاری در مقایسه با سایر بخش‌های شهر؛
- جایگزین شدن اقشار فرودست جامعه، مهاجرین کم‌درآمد، کارگران فصلی، ملیت‌های خاص مانند افغان‌ها و ... به جای ساکنان بومی؛
- عدم تمایل ساکنان به مرمت و نوسازی به دلیل روند نزولی ارزش اقتصادی در بافت و فقدان چشم‌انداز اقتصادی بهتر برای آینده و به‌طور کلی کمبود گرایش به نوسازی؛
- خروج سازمان‌های دولتی و مؤسسات مهم اقتصادی از محله.

کیفیت زندگی

رواج و کاربرد مفهوم کیفیت زندگی در واقع کنشی است در برابر توسعه‌ی تک‌بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه‌ی صرفاً کالبدی در مقیاس شهری و تلاشی است برای دستیابی به معیارهای کیفی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی (مهدی زاده و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۰۴). مفاهیمی همچون کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری هنوز به‌طور واضح تعریف نشده‌اند و علوم مختلف با توجه به قلمرو مطالعه و نوع کاربرد آن، تعریف‌های متفاوتی از آن دارند. برای مثال کیفیت محیطی، مفهومی است که مفاهیم دیگری را نیز در خود دارد؛ به عبارت دیگر این مفهوم، یک مفهوم چندبعدی است. برخی از پژوهش‌گران نیز معتقدند که تعریف مفاهیم چندبعدی به‌راستی امکان‌پذیر نیست (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲ - ۳).

جدول ۱: شاخص‌های کیفیت زندگی شهری از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف

شاخص‌های کیفیت محیط	محقق
ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه داشتن به نظم بصری محیط، استفاده از کاربری‌های مختلط چه به لحاظ نوع استفاده چه از نظر ابنیه با سن‌های مختلف در یک ناحیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن بافت که به مفهوم پیشنهاد استفاده از بلوک‌های کوچک‌تر شهری است، اختلاط اجتماعی و انطباق پذیر بودن فضاها	جین جیکوبز (۱۹۶۱)
صدا، نور، دود، گردوغبار، میکرواقلیم، خلوت فعالیت‌های ارزشمند و محیط‌های شناسایی محلی، تعامل اجتماعی	اپلیارد و اوکاموت (۱۹۶۸)
باز بودن، راحتی، جذابیت، نگهداری، صدا و ارتباط آن‌ها با ساکنان محله‌شان	لانسینگ و مارانز (۱۹۶۹)
ایمنی از آتش‌سوزی، امنیت، دسترسی به مدارس، جمع‌آوری زباله، ارتباط با همسایه‌ها، پیاده‌رو مناسب، فاصله مناسب از دوستان، فاصله مناسب از خویشاوندان، پارکینگ جلوی خانه	سانوف و ساونی (۱۹۷۲)
خطرات ترافیکی، استرس، صدا و آلودگی، خلوت، قلمرو خانه، همسایگی و ملاقات، شناسایی و دل‌بستگی	اپلیارد و لیتل (۱۹۷۲)
ایمنی، زیبایی، صدا، همسایه‌ها، تحرک و دسترسی، آزار و اذیت	کارپ و همکاران (۱۹۷۶)
دسترسی، سرزندگی، حس سازگاری، کنترل و نظارت، کارایی و عدالت	کوئین لینچ (۱۹۸۱)
بالا بودن سطح بهداشت بر اساس شاخص‌های بهداشتی و قابلیت دسترسی برای تمامی ساکنان، بالا بودن کیفیت کالبدی محیط، مسکن، وجود محلات فعال و معنی‌دار، توانایی رفع نیازهای اولیه هر شهروند، وجود روابط اجتماعی در حد معقول، وجود اقتصاد متنوع و خودکفا، تنوع فعالیت‌های فرهنگی، الگوی متناسب شهرسازی	پرفسور دوهل (۱۹۸۴)
سازگاری بصری، تنوع، نفوذپذیری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، قابلیت شخصی‌سازی، هم‌چنین در سال ۱۹۹۰ سه معیار: کارایی از نظر مصرف انرژی، پاکیزگی و حمایت از حیات‌وحش بدان افزوده شد تا کاستی‌ها را پوشاند	بنتلی و همکاران (۱۹۸۵)
سرزندگی، هویت، کنترل دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی، اصالت و معنا، زندگی اجتماعی و همگانی، خوداتکایی شهری، محیطی برای همه	آلن جیکوبز و داند اپلیارد (۱۹۸۷)
ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت؛ دیدها و مناظر، مقیاس انسانی یا پیاده	مایکل ساوتورث (۱۹۸۹)
زباله، آلودگی آب، آلودگی هوا، صدا، شلوغی و ترافیک	رومانا و همکاران (۲۰۰۳)

مأخذ: مطالعات کتابخانه‌ای نگارنده

محدوده‌ی مطالعه شده

محدوده مطالعه شده در منطقه‌ی ۱ و ۸ شهرداری اصفهان واقع است و ۳۶/۵ هکتار وسعت دارد. ارتفاع در این منطقه از حداقل ۱۵۶۹ متر در سمت شرق تا حداکثر ۱۵۷۵ متر در سمت جنوب غرب متفاوت است. به‌طور کلی از شرق و شمال شرق به سمت جنوب غرب بر ارتفاع زمین افزوده می‌شود و اختلاف ارتفاع حدود ۶ متر است. دارای جمعیتی بالغ بر ۵۷۰۰ نفر است.



نقشه ۱: محدوده (مرز) محله فروغی (مأخذ: نگارنده)

کیفیت‌های اجتماعی و اقتصادی

مدت اقامت در محله

نتایج مندرج در جدول شماره (۲)، مدت اقامت ساکنان در محله را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ۶۰ درصد ساکنان بیش از ۱۰ سال است که در محله اقامت دارند، حدود ۲۰ درصد از پاسخ‌گویان مدت اقامتشان در محل کمتر از ۶ سال و ۲۰ درصد ۶ تا ۱۰ سال است که ساکن محله‌ی خیابان فروغی هستند. نتایج حاصل نشان‌دهنده‌ی ریشه‌دار بودن ساکنان محله است.

جدول ۲: مدت اقامت در محدوده

درصد	مدت اقامت (سال)
۱۰	۱-۳
۱۰	۳-۶
۲۰	۶-۱۰
۶۰	۱۰ و +
۱۰۰	جمع

مأخذ: یافته‌های پژوهش

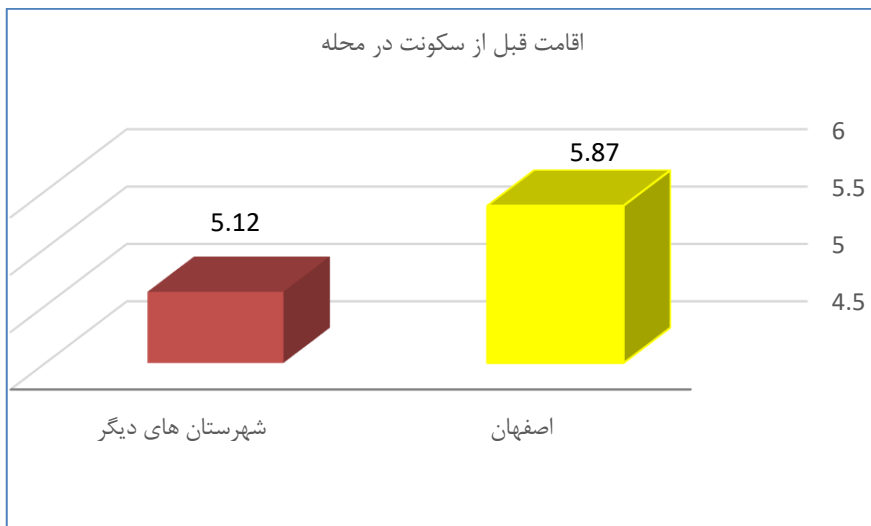
با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، ساکنان این محدوده اغلب بومی هستند. بومی بودن افراد

ساماندهی و اصلاح مجدد بافت مسئله‌دار شهری با تأکید بر بعد اجتماعی و ...

یکپارچگی آشنایی افراد با یکدیگر و نبود مشکلات اجتماعی ناشی از ورود غریبه‌ها در محله را باعث شده است. یکی از نقاط قوت این محدوده بومی بودن افراد است که می‌توان از حس تعلق آن‌ها، برای پیشبرد طرح‌های شهرسازی استفاده کرد؛ البته نفوذ در این‌گونه افراد برای اجرایی نمودن طرح‌ها به‌سختی صورت خواهد گرفت و جذب اعتماد این‌گونه افراد به‌سختی ممکن است؛ چراکه وقتی سخن از طرح‌های شهری می‌آید، آن‌هم در بافتی قدیمی و فرسوده، باید به تخریب برخی از منازل و خانه‌های مسکونی نیز اشاره کرد که یکی از مشکلات تهدیدکننده‌ی اجرای طرح‌ها است. مهاجرت افغان‌ها، با توجه به ریتم زندگی متفاوتشان با ریتم زندگی مردم شهر اصفهان، مقداری در هم زدگی محیطی را باعث شده است.

قومیت و توزیع در محله

سابقه‌ی سکونت پاسخگویان قبل از مراجعه به این محل، نشان می‌دهد که ۸۵ درصد آن‌ها ساکن اصفهان و ۷/۵ درصد ساکن شهرستان‌های دیگر بودند و ۶/۳ درصد پاسخی به این سؤال نداده‌اند.



نمودار ۱: محل اقامت قبل از سکونت در محدوده

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج نشان‌دهنده‌ی بافت قومیتی یکپارچه در این محدوده است. اغلب ساکنان محله ساکنان قدیمی هستند و تعدادی نیز اهالی تازه‌وارد از محلات دیگر و مهاجرانی از افغانستان هستند. وجود افغان‌ها به دلیل آنکه این‌گونه افراد از سطح درآمد پایینی برخوردار هستند و سطح فرهنگ متفاوتی با مردم این شهر دارند موجب تزلزل محیط اجتماعی و جمعیتی مردم این محله خواهد شد و نارضایتی ساکنان را باعث می‌شود.

دلایل سکونت

مهم‌ترین دلایل انتخاب این محل برای سکونت، متولد شدن در همین محل و سکونت در خانه‌ی پدری (۱۰ درصد) و ارزانی مسکن (۱۵ درصد) است؛ همچنین ۷/۵ درصد پاسخگویان به دلیل داشتن قوم‌وخویش و ۷/۵ درصد به دلیل نزدیکی به محل کار، خیابان فروغی را برای سکونت انتخاب کرده‌اند.

جدول ۳: دلایل انتخاب محله برای سکونت

درصد	انتخاب محله
۱۵	ارزانی مسکن
۱۰	متولد محل یا ساکن در منزل پدری
۷/۵	وجود اقوام در محله
۷/۵	نزدیکی به محل کار
۳۰	سایر
۱۰۰	جمع کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مشکلات اجتماعی

بررسی مشکلات اجتماعی پاسخگویان که از طریق مصاحبه‌های حضوری و پرسش‌نامه انجام شده است، نشان می‌دهد که مهم‌ترین مشکلات محله به ترتیب وضعیت بهداشتی شهر، عبور و مرور، عدم امنیت و دزدی، اعتیاد و خریدوفروش مواد مخدر، دعوای خیابانی و وجود کارگران افغانی است و در مراحل بعدی به نداشتن آسایش و آلودگی هوا به سبب عبور و مرور وسایل نقلیه در محله، نیز اشاره شده است.

۱- فقر: یکی از مشکلات جدی ساکنان این محله مشکلات اقتصادی است که به‌خودی‌خود منجر به شکل‌گیری سایر انواع فقر، از جمله فقر فرهنگی و اجتماعی شده است؛

۲- سرگردان بودن جوانان: سرگردانی جوانان در محله و ایجاد مزاحمت برای زنان و دختران و کمبود فضاهای فرهنگی، آموزش و تفریحی یکی دیگر از مشکلات است؛

۳- سرقت و ناامنی محله: سرقت از خودرو یکی از مسائل اجتماعی محله است؛ زیرا خانه‌ها پارکینگ ندارند و خودروها غالباً در خیابان پارک هستند؛ از سوی دیگر روشنایی نامناسب کوچه‌ها، با توجه به معابر باریک، به ناامنی دامن می‌زند و یکی از مشکلات زنان محله ناامنی است.

نحوه گذران اوقات فراغت در داخل و بیرون بافت

همان‌طور که در مسائل اجتماعی محله اشاره شد، پایین بودن سرانه‌ی فرهنگی در محله، یکی از معضلات جدی ساکنان است. این وضعیت در مورد تمام گروه‌های سنی وجود دارد. به‌طوری‌که مهم‌ترین مکان گذراندن اوقات فراغت در داخل محله را باید کوچه‌ها و خیابان‌ها دانست؛ اما در حال با توجه به

گروه‌های سنی می‌توان چنین دسته‌بندی زیر را ارائه کرد:

کودکان: مهم‌ترین مکان گذران اوقات فراغت کودکان در داخل محله و کوچه و خیابان است؛ سالخورده‌گان: محل گذران اوقات فراغت سالخورده‌گان، نشستن بر لبه‌های جدول میدان‌های کوچک داخل محله است. آن‌ها معمولاً به مکان‌های دیگری در خارج از محل برای گذران اوقات فراغت مراجعه نمی‌کنند؛

جوانان: محل گذران اوقات فراغت جوانان در داخل محل، پاتوق کردن در سر کوچه‌های محله است. رفتن به قهوه‌خانه نیز یکی دیگر از مکان‌های اوقات فراغت مردان و جوانان است. گفتگو نشان می‌دهد که محل گذران اوقات فراغت افراد بسیجی نیز مسجد محله است. بررسی نشان می‌دهد که جوانان به مکان خاصی در بیرون از محله برای گذران اوقات فراغت اشاره نکرده‌اند، تعداد کمی مراجعه به پارک را ذکر کرده‌اند؛

زنان: محل گذران اوقات فراغت زنان محله نیز جلوی در منازل در داخل کوچه‌ها و یا رفتن به روضه‌هایی است که در ایام مذهبی در داخل محله برگزار می‌شود. هیچ‌گونه محلی برای گذران اوقات فراغت دختران جوان وجود ندارد؛

مردان: مکان‌هایی که برخی از مردان اوقات فراغت خود را می‌گذرانند، هیئت‌های مذهبی و قهوه‌خانه‌ها است که میان تمامی مردم محل شایع نیست.

درآمد خانوار

بر اساس اطلاعات حاصل از برداشت‌های پرسش‌نامه‌ای، متوسط درآمد ساکنان محدوده‌ی مطالعه شده معادل ۳/۳ میلیون ریال است. فراوانی به درآمدهای ۲۵ میلیون ریال، ۲۰ میلیون ریال، ۱۵/۵ میلیون ریال و ۱۵ میلیون ریال اختصاص دارد؛ فراوانی درآمدهای گفته‌شده به ترتیب معادل ۱۴/۶ درصد، ۱۷/۳ درصد، ۲۷/۷ درصد و ۱۲/۶ درصد است؛ همچنین درآمد بیش از ۴۸ درصد پاسخ‌دهندگان کمتر از متوسط ماهانه است. ناگفته نماند به‌طور کلی افراد در بیان میزان درآمد خود به دلایل مختلف از جمله مسائل مرتبط با مالیات و نظایر آن، کم اظهاری نموده و به همین دلیل امکان برآورد دقیق از درآمد این افراد با استفاده از پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان وجود ندارد. با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از محدوده، دورتادور محدوده به دلیل نزدیکی بافت به محل‌های پررفت‌وآمد و تجمع کاربری‌های تجاری، قیمت ملک بیشتر است و قیمت به‌تدریج در داخل محدوده و در بافت ارگانیک پیچ‌درپیچ، کمتر و کمتر می‌شود. این مشکل موجب جذب جمعیت با درآمد پایین در بافت داخلی می‌شود؛ در نتیجه از کیفیت محله به دلیل فقر اجتماعی این‌گونه افراد کسر خواهد شد. وجود کاربری‌های تجاری فروش آینه و شمعدان می‌تواند از فرصت‌های ساکنان این محدوده برای کسب درآمد و شغل باشد. از دیگر نقاط مثبت این محدوده مالکیت اراضی شخصی و خصوصی است که می‌توان به راحتی طرح‌های مختلف را روی آن اجرا کرد، بدون محدودیت اداره‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط.

جدول ۴: سوات کیفیت اجتماعی و اقتصادی

تهدید	فرصت	ضعف	قوت
دل‌زدگی و فرار از محله مهاجرت ساکنان به دیگر نقاط شهری	حس تعلق خاطر داشتن تلاش برای بهبود وضع زندگی در محدوده	رضایت نداشتن کامل ساکنان محدوده	رضایت نسبی ساکنان
مهاجرت افراد از محله		عدم ترجیح سکونت فرزندان ساکنان	
	عدم وجود فقر اقتصادی کمک در تأمین طرح‌های شهری		درآمد متوسط ساکنان
مهاجرت افراد بومی پایین آمدن سطح کیفی زندگی ساکنان تأخیر در اجرای طرح‌ها		فقر اقتصادی و فرهنگی به دلیل هجوم جمعیت غیربومی در محله	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل و شناختی که نگارنده انجام داده است، می‌توان گفت این محله امکان و توان بهتر شدن کیفیت زندگی ساکنان و طرح‌ریزی را دارد؛ همچنین ساکنان خواستار این‌گونه طرح‌ریزی‌ها شده‌اند؛ زیرا خود ساکنان از برخی معضله‌ها فراری هستند؛ اما حس تعلق به مکان و همچنین ارزان بودن زمین با توجه به مقدار درآمد ساکنان موجب ماندگاری آنان در این محدوده شده است. در ادامه توجه به نقاط ضعف و تهدید محدوده، ما را در رسیدن به اهداف کلان و جزئی یاری می‌کند.

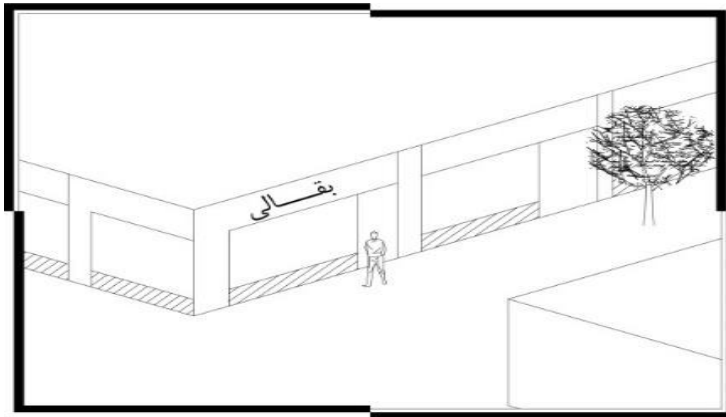
جدول ۵: تدوین اهداف خرد و سیاست‌های طراحی با توجه به هدف کلان

اهداف کلان	اهداف خرد	راهبردها
تقویت کیفیت‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان در راستای افزایش کیفیت زیست ساکنان	ارتقای سطح کیفی زندگی ساکنان	افزایش جذابیت‌های سکونت از بعد خدمات و کیفیت فضایی در محدوده تأمین فضاهای عمومی موردنیاز در بافت
	ایجاد انگیزش در جامعه برای سکونت و اشتغال در محدوده	افزایش فعالیت‌های اقتصادی در بافت تأمین هدفمند خدمات شهری موردنیاز
	توسعه‌ی اقتصادی خانوارهای ساکن و ایجاد زمینه‌های اشتغال	تعریف منابع درآمدی جدید
	ایجاد جریان اقتصادی پویا	کاهش محدودیت‌های غیرضروری و دست‌وپا گیر برای سرمایه‌گذاری خصوصی جلب مشارکت مردمی در نوسازی و بهسازی بافت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ارائه‌ی سیاست‌ها

- افزایش فعالیت‌های اقتصادی؛
- احداث مجتمع تجاری بر اساس امکانات موجود؛
- ایجاد دسترسی به مجتمع ایجادشده بر اساس مقیاس عملکردی.



در سطح محلی می‌توان کاربری‌های تجاری خرد را به کاربری‌ها تزریق کرد. این کاربری‌ها نه تنها می‌تواند مایحتاج اولیه‌ی زندگی ساکنان را برآورده کند، بلکه می‌تواند دید ناظر و فعال و پویایی برای

مردم محله نیز شمرده شود؛ همچنین می‌توان در سطح منطقه‌ای در جداره‌های متصل به خیابان‌ها، طرح‌ریزی احداث مجتمع تجاری را برای اشتغال‌زایی افراد محله، طراحی کرد:

- جلب مشارکت‌های مردمی در نوسازی و بهسازی بافت؛
- اعطای وام‌های کم‌بهره و کمک‌های مالی بلاعوض به ساکنان؛
- حذف قوانین و ضوابط محدودکننده برای ایجاد سهولت در نوسازی مسکن برای ساکنان.

با اعطای وام‌های کم‌بهره با توجه به درآمد کم مردم ساکن در این محدوده، می‌توان با ساکنان در مرمت و بازسازی خانه‌های فرسوده همراهی و همکاری کرد و برای سهولت بخشیدن ضوابطی همچون عقب‌نشینی‌های زیاد و تخریب بناها و فضاهای زیاد را کاهش داد که موجب سرعت بخشیدن به اجرای اهداف پروژه می‌شود.

با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده این محله توان جذب جمعیت و ماندگاری جمعیت ساکن را دارد؛ زیرا افراد حس تعلق خاطر خاصی نسبت به این محدوده دارند و خواستار بهبودی این محدوده برای افزایش سطح زندگی خود هستند؛ با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده و ارائه‌ی نظرهای پیشنهادی، پیشنهادهای افراد ساکن، در مجموع آورده شده است؛ نقشه‌ای نیز در همین زمینه آماده شده است (نقشه ۱). ساکنان علاقه‌ی خاصی به بهبود شرایط سکونت در این مکان دارند و برای طرح این محدوده پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند. می‌توان برای طراحی و اجرای طرح‌های شهری در این محدوده امیدواری دوچندانی به طراحان داد.

محور کوچه‌ی بهارستان به دلیل اهمیت و توان بالای آن برای استفاده‌ی پیاده، به‌عنوان مسیری با اولویت پیاده پیشنهاد شده است. این مسیر می‌تواند منظر زیبایی را همراه داشته باشد و مردم محله را سرزنده و پویا و فعال نگه دارد. بدیهی است که می‌باید حرکت و عبور اتومبیل با تمهیدات طراحانه محدود شود. در امتداد این مسیرها به طراحی مرکز محله پرداخته خواهد شد؛ زیرا محله‌ای پویا خواهد شد که دارای تعاملات اجتماعی نسبتاً مناسبی باشد و این تعاملات باعث پویایی و سرزندگی و کارآمدی این محدوده و رو به رشد شدن سطح فرهنگی و اجتماعی این محدوده می‌شود. در غرب مسیر بهارستان، مسیر پیاده‌ای که از کوچه‌های موجود در بافت گذر می‌کند (با حداقل تخریب) برای ساکنان و رهگذران پیشنهاد شده است. با توجه به کمبود فضاهای سبز و محلی، سعی بر آن شده است که چند دانه سبز در محله طراحی شود و باعث ایجاد فضایی برای گذراندن اوقات فراغت اقشار مختلف محله با سنین متفاوت و جنسیت متفاوت شود. طراحی کف‌پوش‌های مختلف برای مکت افراد عابر پیاده طراحی شده است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ آهار، حسن؛ طهماسبی، فرخ؛ منوچهری میان‌دوآب، ایوب و شهناز، علی‌اکبر (۱۳۹۱). تحلیل کیفیت زندگی در دو بافت قدیم و جدید شهر مراغه با بهره‌گیری از مدل‌های آنتروپی و الکنره (چکیده). فصل‌نامه‌ی آمایش محیط، شماره‌ی ۲۶، ص ۱.
- خدایی، زهرا و پورخیری، علی (۱۳۹۲). کیفیت محیط شهری و نقش آن در ارتقاء رضایت شهروندان، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، ص ۲.
- رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی‌اکبر؛ منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین (۱۳۸۸). توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (شهر نورآباد، لرستان). فصل‌نامه‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری، سال اول، شماره‌ی دوم، ص ۲.
- قالیباف، محمداقبر و روستایی، مجتبی (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی شهری محله یافت آباد تهران. فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ص ۱۲.
- قربانی، زینب؛ خاکپور، برات‌علی و مافی، عزت‌الله (۱۳۹۲). تحلیل توزیع فضایی کیفیت زندگی در محله‌های شهر چالوس (چکیده). مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال چهارم، شماره‌ی سیزدهم، تابستان، ص ۱.
- معمارزاده، قدرت‌الله (۱۳۷۴). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، سازمان برنامه‌و بودجه. تهران مهندسیین مشاور مازند طرح، (۱۳۷۸)، طرح تفضیلی شهر چالوس، ص ۶۳.
- مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه‌ی شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران). مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، چاپ دوم، پاییز، ص ۳۰۴.
- هال، پیتر (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. ترجمه‌ی جلال تبریزی، چاپ اول، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ص ۲۱.
- هودسنی، هانیه (۱۳۸۴). بهبود ساختار فضایی محله‌های شهری در چارچوب توسعه‌ی محله‌ای پایدار نمونه موردی: محله‌ی جلفا. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی هنر، ص ۵.

Barton, Hugh, et al, (2003), "Shaping Neighbourhoods: A guide for health Sustainability", Spon Press, London and New York.

Bonomi A, Patric D, Bushnell D. (2000) Validation of the united states' version of the World Health Organization Quality of Life (WHOQOL) instrument. Journal of Clinical Epidemiology; 53: 1-12.

Raphael, D., Renwick, R., Brown, I., Rootman, I., (1996). Quality of life indicators and health: current status and emerging conceptions. Soc. Indicators Res. 39 (1), 65–88.

Smith, C., Levermore, G., (2008), Designing urban spaces and building to improve sustainability and quality of life in a warmer world, Social Indicators Research 40.

ساماندهی و اصلاح مجدد بافت مسئله‌دار شهری با تأکید بر بعد اجتماعی و ...